

رئیس جمهور آینده  
و اقتصاد پیش روسیدحمیدحسینی  
عضو اتاق بازرگانی

## یادداشت

فردا انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود و از این‌رو باید انتظارات اقتصادی را برای رئیس‌جمهوری آینده ترسیم کنیم. من معتقدم رئیس‌جمهوری آینده چند موضوع مهم برای گذر از وضعیت فعلی و بازگشت کشور به مسیر توسعه را باید مد نظر قرار دهد. با توجه به اینکه مذاکرات برجام، به‌صورت مطلوب پیش می‌رود و این انتظار است که کشور از تحریم‌ها نجات پیدا کند، برنامه‌ریزی برای آینده کشور اهمیت زیادی دارد. رئیس‌جمهوری باید موقعیت ایران در جایگاه اقتصاد جهانی را درک کند و بداند چرا ایران برای جهان مهم است، چند درصد تجارت جهان از طریق ایران است، آیا موقعیت استراتژیک ایران برای جهان مهم است یا خیر؟ و با اینکه ایران چه چیزی را برای عرضه به دنیا در اختیار دارد که باعث می‌شود در مناسبات جهانی مهم باشد؟ اینکه رئیس‌دولت باید امتیاز و موقعیت کشور در روابط بین‌الملل را بداند، به‌نظر تنگ و نامفهوم است. ما هنوز نتوانسته‌ایم بفهمیم چگونه دنیا را برای برقراری ارتباط متقاعد کنیم. نباید فقط به این موضوع تکیه کنیم که دنیا به‌خاطر موقعیت استراتژیک ایران، با کشور ما تعامل می‌کند. باید ظرفیت‌های بالا مانند ظرفیت نیروی انسانی کشور را به دنیا معرفی کنیم.

ایران می‌تواند به‌خاطر نیروی انسانی و منابع طبیعی، کارخانه تولید در خاورمیانه باشد. موقعیت استراتژیک و داشتن منابع عظیم اهمیت ایران را برای دنیا افزایش می‌دهد. علاوه بر این، ایران لنگرگاه ثبات خاورمیانه است اگر ایران باثبات و امن باشد، ثبات خاورمیانه تضمین می‌شود. هیچ کشوری موقعیت ایران برای ثبات بخشی به خاورمیانه را ندارد. درک موقعیت و تعیین جایگاه ایران در آینده روابط بین‌الملل کار ظریف و سختی برای رئیس‌دولت است. وظیفه اصلی رئیس‌جمهوری ایجاد اجماع در داخل کشور برای معرفی و تعیین جایگاه ایران در خاورمیانه و در جهان است. رئیس‌جمهوری باید برنامه بلندمدتی برای تعیین جایگاه ایران تدوین کند. شناخت ریشه مشکلات اقتصادی کشوروظیفه مهم دیگر رئیس‌جمهوری است. به‌خاطر فضای انتخاباتی ممکن است کاندیداها مشکل را به ساختار و ناکارآمدی دولت ربط دهند درحالی‌که همه می‌دانیم ریشه مشکلات به دولت مربوط نمی‌شود. شاید با عوض شدن دولت و مدیران ۱۰ تا ۱۵ درصد کارایی دولت بهتر شود اما با عوض شدن دولت، بوروکراسی یا سیستم دولتی عوض نمی‌شود. اینکه عده‌ای ریشه مشکلات کشور را به ناکارآمدی دولت تقلیل می‌دهند، نادرست است. اگر نامزدهای ریاست‌جمهوری فقط به امید تغییر مدیریت‌ها باشند و بخواهند تکنوکرات‌ها را از صحنه اقتصادی کشور حذف کنند مشکلات اقتصادی حل نمی‌شود و ممکن است مشکلات حتی تشدید شود. دولت باید بداند ریشه مشکلات اقتصادی چقدر به تحریم‌ها، روابط خارجی، مسأله افای‌تی‌اف، روابط با همسایگان و... وابسته است. بسیار مهم است که رئیس‌جمهوری به این موضوعات متمرکز باشد و بتواند نگاه کلی به اقتصاد داشته باشد و در عرض چند سال مشکل تحریم را حل کند. ثبات اقتصادی، ثبات قوانین و مقررات و وضعیت معیشتی جامعه با رفع تحریم حل می‌شود. در کنار آن، رئیس‌جمهوری حتماً باید در اصلاح قوانین کشور اقداماتی انجام دهد. رئیس‌دولت تعارض منافع را باید به‌طور جدی مد نظر قرار دهد. قانون جماعتی برای رفع تعارض منافع باید در کشور وضع شود. در دنیا قانون تعارض منافع بسیار قانون پیشرفته‌ای است. تعارض منافع بسیاری قوانین اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. در کنار آن قانون شفافیت برای کشور اهمیت دارد. تنها موقعیتی که در حال حاضر برای عبور از مشکلات داریم توجه به ظرفیت صادراتی کشور است. دو ظرفیت در اختیار داریم تا شصت‌تا انقلاب اقتصادی ایجاد کنیم و مشکلات ساختاری اقتصاد را حل کنیم.

خصوصی‌سازی و هدفمندی یارانه‌ها این دو ظرفیت بود که هیچ‌کدام انتظارات و اهداف را برآورده نکرده است. بعداز اتفاقات آبان ۹۸ تصمیم‌گیری جدید برای هدفمندی یارانه‌ها را بسیار دشوار کرده است. تنها ظرفیت باقیمانده فعلی ظرفیت صادراتی است. در صورت داشتن برنامه بلند مدت کشور ظرفیت‌های زیادی دارد که با همکاری قوای چندقابله سیاست‌ها مشخص می‌شود.

«ایران» از چگونگی مثبت شدن نرخ رشد اقتصادی گزارش می‌دهد  
موتورهای رشد اقتصاد ۹۹

**گروه اقتصادی/** اقتصاد ایران که درسال‌های گذشته با بحران تحریم‌ها دست و پنجه نرم می‌کرد، از اواخر سال گذشته با بحران جدیدی به نام کرونا روبه‌رو شد که با کاهش و حتی توقف برخی از فعالیت‌های اقتصادی تأثیر زیادی بر تولید ناخالص داخلی کشور داشت. اما خوشبختانه تازه‌ترین آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد که در سال گذشته با وجود افت و خیزی که در طول فصول مختلف وجود داشت، در نهایت در این سال با نرخ مثبت اقتصادی همراه شدیم.

طبق اطلاعات ارائه شده از سوی بانک مرکزی، درسال گذشته رشد اقتصادی با نفت کشور ۳٫۶ درصد و رشد بخش غیرنفتی کشور به ۲٫۵ درصد رسیده است. این درحالی است که در سال ۱۳۹۸ رشد اقتصادی با نفت کشور منفی ۶٫۵ درصد و در بخش غیرنفتی با رشد ۱۰٫۱ درصدی همراه بودیم. بدین ترتیب شاهد بهبود قابل توجه تولید ناخالص داخلی هستیم.

نگاهی به جزئیات نرخ رشد اقتصادی سال گذشته نشان می‌دهد که به جز گروه خدمات که با نرخ رشد صفر درصدی همراه بوده در سایر گروه‌های اصلی با رشد قابل توجهی مواجهیم. حتی در زیرگروه خدمات تنها در روزگروه خدمات یعنی خدمات عمومی و خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی نرخ رشد منفی به ترتیب ۹٫۴ و ۶ درصدی بوده است.

در واقع مهم‌ترین دلیل رشد اقتصادی ۳٫۶ درصدی در سال گذشته به نفت و صنعت برمی‌گردد. درسال گذشته با وجود تحریم‌های زیرگروه نفت رشد ۱۱٫۲ درصدی را تجربه کرده است و این در حالی است که در سال ۹۸ نرخ رشد این بخش منفی ۳۸٫۷ درصد اعلام شده است. اما به غیر از نخستین فصل سال گذشته که نرخ رشد نفت با ۱۶٫۷ درصد منفی بود، در سه فصل پایانی سال رشد بالایی را تجربه کرده است که گونه‌ای که در آخرین فصل این نرخ به ۳۵٫۸ درصد رسیده است.

گروه صنایع و معادن نیز دیگر موتور رشد اقتصادی کشور بوده است. این گروه در مجموع در سال گذشته ۷٫۱ درصد رشد کرده است که در مقایسه با نرخ ۲٫۳ درصدی سال ۹۸ رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد. البته درفصل زمستان سال قبل رشد این گروه به ۹٫۹ درصد نیز رسیده است. حال در زیرگروه صنایع و معادن، بخش صنعت نیز با رشد قابل توجه ۸۰٫۱ درصدی همراه شده است. نرخ رشد صنعت درسال ۹۸ معادل ۲۰٫۱ درصد بوده است که با ورود به سال ۹۹ رو به افزایش گذاشته است به طوری که در

فصل اول رشد ۱۰٫۸ درصدی، در فصل دوم رشد ۱۱٫۹ درصدی، در فصل سوم رشد ۱۰ درصدی و در فصل آخر رشد ۸٫۴ درصدی را در کارنامه خود ثبت کرده است.

هرچند در این سال نرخ رشد گروه کشاورزی نیز مثبت گزارش شده است، اما به دلیل کاهش بارش‌ها و کم آبی در کشور با رشد مورد انتظار فاصله داشته است. در سال ۹۸ نرخ رشد گروه کشاورزی به عنوان یکی از موتورهای رشد در این سال ۸۰٫۸ درصد بود. اما در سال گذشته شاهد کاهش تدریجی این نرخ رشد هستیم.

در گروه خدمات هم با وجود متوسط رشد صفر درصدی در سال گذشته، شاهد فاصله گرفتن این بخش از نرخ رشد منفی هستیم. در سال ۹۸ نرخ رشد گروه خدمات منفی ۲ دهم درصد محاسبه شده بود که تحت تأثیر شیوع کرونا در اولین فصل سال گذشته به منفی ۱۰٫۳ درصد افت کرده است. اما در دومین فصل سال نرخ رشد این گروه به مثبت ۱۰٫۳ درصد رسیده است. با این حال موج‌های مختلف کرونا و اعلام قرنطینه‌ها باعث نوسان بالای نرخ رشد این گروه شده است به طوری که پس از رشد ۱۰٫۳ درصد در فصل تابستان، در سومین فصل سال نرخ رشد به یک دهم درصد رسیده است و در آخرین فصل به منفی ۰٫۲ درصد بازگشته است. با این وجود پیش‌بینی می‌شود که در سال جاری با ازسرگیری فعالیت در واحدهای خدماتی این گروه به شرایط قبل از کرونا بازگردد.

در همین راستا بررسی زیرگروه‌های خدمات درسال گذشته نشان از بهبود شرایط در این گروه است. در این سال نرخ رشد زیرگروه بازرگانی به ۱٫۶ درصد، زیرگروه حمل و نقل به ۳ درصد، زیرگروه خدمات مؤسسات پولی و مالی و ۱۰۴ درصد و خدمات مستغلات به ۲۰٫۱ درصد رسیده است که از آمادگی این گروه برای بازگشت به شرایط رشد بیشتر خبری می‌دهد.

## ■ جزئیات رشد۹۹

براساس داده‌های حاصل از منابع آماری و برآوردهای مقدماتی انجام شده، درخصوص تولید ناخالص داخلی کشور، نتایج اولیه نشان دهنده آن است که در سال ۱۳۹۹، تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه و به (قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) از ۶۱۳۷۰۳ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ به ۶۲۵۸۰۸ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است. نتایج مقدماتی حاصل از بررسی روند تحولات ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی حاکی از برآورد رشد اقتصادی ۳٫۶ درصدی برای سال ۱۳۹۹ است. از سوی

بر اساس داده‌های حاصل از منابع آماری و برآوردهای مقدماتی انجام شده، درخصوص تولید ناخالص داخلی کشور، نتایج اولیه نشان دهنده آن است که در سال ۱۳۹۹، تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه و به (قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) از ۶۱۳۷۰۳ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ به ۶۲۵۸۰۸ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است. نتایج مقدماتی حاصل از بررسی روند تحولات ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی حاکی از برآورد رشد اقتصادی ۳٫۶ درصدی برای سال ۱۳۹۹ است. از سوی

تأثیر رویکردهای سیاسی بر سیاستگذاری‌های اقتصادی در آستانه انتخابات

## سویه‌های سیاسی یک اقتصاد سیاست‌زده

**سپیده پیری/** اقتصاد سیاسی یا سیاست اقتصادی؟ این پرسش مدخلی برای ورود به بررسی دوگانه اقتصادو سیاست است. میزان اثرگذاری و نسبت میان این دو همان موضوعی است که متخصصان اقتصادی بیش از گذشته به تحلیل و واکاوی آن پرداخته‌اند. روزگاری سیاست زده کنونی تمام مرزها را درنوردیده و هیچ اتمسفر اقتصادی نیست که از دستورات سیاسی در امان باشد. در همین رابطه باید گفت اقتصاددانان به این باور رسیده‌اند که بی‌نیازی در ساختارهای سیاسی می‌تواند این معربه و ریزش‌های پیرامونکره اقتصاد کشورها تحمیل کند و عملکرد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. ما نیز در ایران به کمک کارشناسان تأثیر رویکردهای سیاسی را بر سیاستگذاری‌های اقتصادی تبیین کردیم که در ادامه می‌خوانید.

## بو بولیسم نمود در هم آمیختگی اقتصاد و سیاست

یک موضوع فراگیر بر کل جهان حاکم است و آن اینکه اصولاً سیاستمداران با ملاحظات اقتصادی سیاستمداران را می‌شناسد. اما نمی‌کنند بلکه آنچه اولویت دارد سویه‌های سیاسی موضوع است. اصولاً برای توجیه تصمیمات اقتصادی تبیین سیاسی می‌کنند و دلایل سیاسی عنوان می‌شود. با صراحت و یقین می‌توان گفت تصمیماتی که گرفته می‌شود ملاحظات سیاسی دارد نه اقتصادی. البته شدت این موضوع در کشورهایی که دموکراتر هستند و رسانه‌های آزادتری دارند موضوع قدری متفاوت است و شانس اینکه جنبه‌های اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها پررنگ‌تر شود، بیشتر است. نمود در هم آمیختگی اقتصاد و سیاست را می‌توان در گرایش‌های پوپولیستی سیاستمداران دید. موضوعی که نسبت به قبل فراگیرتر شده و در فضای نقاط جهان ردپایی از پوپولیسم دیده می‌شود. به‌طور مشخص با شیوع کرونا در جهان به‌عنوان یک بحران همه گیر اغلب دولت‌ها به‌سمت رفتارها، تصمیمات و سیاست‌های پوپولیستی گرایش پیدا کردند. به‌عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا در ماه‌های آوریل، دسامبر و ژانویه مبالغ قابل توجهی در قالب سیاست‌های حمایتی و محرک اقتصادی تزریق شد. اتفاقی که باعث شده تا کسری بودجه آمریکا در سال ۲۰۲۰ سه برابر ۲۰۱۹ باشد. سیاستمداران این حمایت‌ها را به بهانه خانه نشینی

## نگاه کارشناس

میثم رادپور  
اقتصاددان

## نگاه کارشناس

محمد رضا اکبری جoor  
پژوهشگر اقتصاد بین‌الملل

در دنیای امروز مناسبات اقتصادی و سیاسی چنان درهم تنیده هستند که تفکیک آنان و اولویت‌بندی هر کدام بر دیگری، کار بسیار سختی است. در بررسی‌های دانشگاهی پیرامون رابطه بین سیاست و اقتصاد، دو دسته نظریه وجود دارد. دسته اول به رابطه ضمنی بین این دو اشاره دارد. دسته دوم از رابطه قطعی و حتمی بین این دو موجودیت نام می‌برد.

برای مثال از گروه اول، مثال آورده می‌شود که سیاستمداران با ترویج سیاست‌های راه اجتماعی، تلاش می‌کنند که آرای مردم را به خود جلب نمایند و زمینه ماندگاری خود در عرصه سیاست را فراهم آورند و از گروه دوم مثال می‌آورند که توازن سیاسی فعلی، متأثر از سیاست‌های اقتصادی در پیش گرفته در گذشته است. شاید بتوان با بررسی نقطه شروع حیات اقتصادی و سیاسی جدید در نقطه‌ای از تاریخ، بی به اولویت‌بندی این دو مؤلفه برد. از این‌رو غیردقیق است، چراکه دیدگاه پاپان جنگ جهانی دوم برای این لطف نیست چراکه پاپان جنگ جهانی دوم، یک دوره عالی بی نظیر برای شروع مجدد برای حیات اقتصادی و سیاسی تعداد زیادی کشور درگیر جنگ بوده است. شهرهای ویران، کارخانه‌های غیرفعال، سرزمین‌های سوخته و دودگرفتگی و مردممان افبرده مزین از دست داده و سرخورده ناشی از چندین سال جنگ و اشغال و خونریزی بی‌امان را تصور کنید که تنها یک خبر خوشحال کننده که پایان جنگ جهانی دوم است دریافت نموده‌اند. نقطه شروع مجدد برای این مردم از کجاست؟ در چنین اوضاعی کار را باید به دست چه کسانی سپرد تا آنان بگویند از کجا دوباره باید شروع نمود؟ از رجوع به مباحث طرح شده در آن دوران، می‌بینیم اندیشمندان ایده‌ای مطرح نمودند که در دنیای آینده، روابط سیاسی و

## سیاست در خدمت اقتصاد، فرمول ساده زمامداری

اقتصادی کشورهای اروپایی می‌بایست در هم تنیده شود و منافع آن نیز عادلانه تسهیم گردد تا درهم‌افزایی مناسبی شکل گیرد و احتمال بروز جنگ‌های آینده پایین آید. محوریت این ایده نیز ایجاد آشنی و صلح پایدار بین فرانسه و آلمان در گام اول و نزدیکی مشترک به انگلستان بود تا از این طریق بتوان تسلیل ایجاد جنگ کاهش یابد.

نکته آموزنده برای خواننده ایرانی آن است که ایده مذکور یک شبه به ذهن نرسید و اندیشمندان اروپایی برای به ثمر نشاندن این ایده، راه درازی را پیمودند تا به این سؤال مهم و اساسی پاسخ دهند «ایجاد تشکل‌های سیاسی مشترک را در اولویت قرار دهند یا باشد یا تشکل‌های اقتصادی را مقدم بدارند؟» او برای یافتن این پاسخ زمان زیادی صرف شد تا نقش جایگاه هر کدام از این تشکل‌ها مشخص شود و در نهایت اروپا به یک انتخاب تاریخی دست برند و جایگاه اقتصاد را بالاتر از جایگاه سیاست بنشاند و سیاست را در خدمت اقتصاد قرار دهند. از این‌پرسو که در سال ۱۹۵۱، پیمان پاریس به امضا رسید و در ادامه جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا (ECSC) ایجاد شد و این راه تا رسیدن به جامعه اقتصادی اروپا و اتحادیه اروپا ادامه یافت. از این‌رو سیاست نقش هموارکننده جاده برای عبور اقتصاد را داشته است.

بد نیست به نتیجه این روند نیز نگاه ساده‌ای بیندازیم که تولید ثروت در کشورهای اروپایی کمک شایانی به ثبات و آرامش سیاسی در آن منطقه از زمین کرد. در سال‌های بعد از پایان جنگ جهانی، روند رشد اقتصادی در این کشورها روندی قابل قبول و منطقی بوده و این به مدد اتخاذ تصمیمات درست و بجا فراهم آمده است.

از نظر تئوریک گفته می‌شود که اقتصاد، همواره نگاه به آینده دارد، محاسبه گراست و آسیب دیدر. و محافظه کار است و به دلیل آنکه نیاز دارد هزینه و ریسک انجام هر حرکت خود را به دقت محاسبه نماید، با احتیاط در هر حوزه‌ای گام بر می‌دارد. از این‌رو سیاست باید در خدمتش قرار گیرد که

## چرا نرخ رشد مثبت شد

شهرام معینی  
عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

پاندمی کرونا در بیش از یکسال اخیر باعث شد تا بسیاری از کشورهای با کاهش قابل توجه نرخ رشد اقتصادی همراه شوند. ایران نیز از این شرایط مستثنا نبود و با توقف و تعلیق فعالیت‌های اقتصادی بخصوص در بخش خدمات مواجه شد. بدین ترتیب با توجه به سهم بیش از ۵۰ درصدی بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی، توقف فعالیت‌های خدماتی منجر به حمل و نقل، گردشگری و... تأثیر منفی شدیدی در اقتصاد ایران داشت. اما خوشبختانه در سال گذشته بتدریج با بهبود شرایط در بیماریاری کرونا و کاهش قرنطینه‌ها، طبیعی است که تأثیر مثبتی روی رشد تولید ناخالص داخلی داشته باشد. بدین ترتیب با آغاز فعالیت و افزایش فعالیت بخشی از فعالیت‌های اقتصادی که تمام زیرساخت‌های آن آماده است، با تکمیل ظرفیت‌های معطل به سرعت شاهد افزایش تولید در این بخش‌ها هستیم و در نهایت تولید ناخالص داخلی کشور را با رشد مواجه کرده است.

ازسوی دیگر با تغییر دولت در امریکا هرچند هنوز درخصوص احیای برجام به نتیجه نهایی نرسیده‌ایم، اما شاهد تضعیف تحریم‌های دوران ترامپ هستیم.

بنابراین در بخش تولید و صادرات نفت نیز با رشد قابل توجهی مواجه هستیم. بر این اساس رشد ۳٫۶ درصدی برای اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ به ثبت رسیده است. اما نمی‌توان گفت که این رشد متعارفی محسوب می‌شود، چرا که همان گونه که اشاره شد، بخش عمده این رشد به دلیل ازسرگیری فعالیت‌های بخش خدمات و سپس کمرنگ شدن تحریم‌ها اتفاق افتاده است. این در شرایطی است که برای رشد پایدار در اقتصاد نیازمند افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف هستیم. در سال‌های تحریم و سپس کرونا میزان سرمایه‌گذاری کاهش یافت و در صورتی که موتور محرکه سرمایه‌گذاری یعنی نفت روشن شود، می‌توان رشد اقتصادی متعارف ۴ درصدی را انتظار داشت. با افزایش صادرات نفت و کسب درآمد ارزی توسط دولت امکان سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف فراهم می‌شود. در اقتصاد ایران درآمدهای ارزی تأثیر بسزایی در افزایش تولید دارد. برای راه‌اندازی واحدهای تولیدی بخش عمده‌ای از نیازها در داخل کشور وجود دارد، اما هر واحد تولیدی به سرمایه گذاری ارزی و فناوری نیز نیاز دارد.

همانگونه که اشاره شد، در صورتی که امکان صادرات کامل نفت وجود داشته باشد یک رشد اقتصادی ۴ درصدی خواهیم داشت و برای دستیابی به نرخ رشد بالاتر می‌بایست به سمت رفع محدودیت‌های خارجی و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف رفت. بدین ترتیب به سرانجام رسیدن مذاکرات برجام نقش مهمی در نرخ رشدی که در سال جاری خواهیم داشت، مؤثر است.

سه‌می معادل ۱۰۹ واحد درصد از نرخ رشد ۳٫۶ درصدی اقتصاد را در دوره مورد بررسی به خود اختصاص داده است. در این گروه، ارزش افزوده بخش‌های «صنعت»، «معادن»، «ساختمان» و «آب و برق و گاز»، به ترتیب با نرخ‌های رشد ۲۰٫۳، ۷٫۲ و ۵٫۶ درصدی مواجه شده است.

در بخش ساختمان، ارزش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان مناطق شهری به قیمت‌های جاری طی سال ۱۳۹۹ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۰۴٫۳ درصد افزایش یافته است. با اعمال شاخص‌های قیمت متناظر و تعدیل رقم مذکور، نرخ رشد ارزش افزوده ساختمان بخش خصوصی

در بخش خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

تتشکیل سرمایه ثابت ناخالص متشکل از دو بخش ساختمان و ماشین‌آلات است. نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در دو بخش مذکور در سال ۱۳۹۹ نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب ۳۰٫۱ و ۹ دهم درصد بوده است. نرخ رشد ۳۰٫۱ درصدی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش خصوصی حاصل شده است. همچنین افزایش تشکیل سرمایه در بخش ماشین‌آلات تولید داخل، علیرغم کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای، موجب رشد ۰۰/۹ درصدی سال ۱۳۹۹ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش ماشین‌آلات نسبت به مدت مشابه سال قبل شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ۳۰٫۴ درصد برآورد شده است.

در حوزه تجارت خارجی و براساس محاسبات اولیه، رشد صادرات و واردات کالاهای و خدمات در سال ۱۳۹۹ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰) نسبت به دوره مشابه سال قبل به ترتیب منفی ۵٫۴ و منفی ۲۹٫۲ درصد بوده است. همچنین براساس جدول مخارج نهایی، در سال ۱